

The Influence of Religious Life of al-Banna on The Mystical Identity of Muslim Brotherhood

Hamid Al-i-Yamin*

(Received: 2019-10-09; Accepted: 2019-12-31)

Abstract

The Society of Muslim Brothers, better known as the Muslim Brotherhood, is a major and most influential institution as well as cultural and political-social current in the Islamic world. Undeniable is al-Banna's influence in the capacity of the founder on MB, especially through the mystical kind of his religious life. The impact of Sufism and mysticism on his religious approach went back to his teens, when he was officially an acolyte in a Sufi branch *Tariqa Hisafiyyah Shadhiliyyah*, and was influenced and taught by the latter's Sheikh and founder. Since its inception, MB's design and hierarchical system as well as the relationship of the members with each other and with the supreme guide (*mūrshīd ām*) all have been adapted from al-Banna's religious Sufism-impacted life which penetrated the warp and woof of MB. His efforts to apply Sufi content and methods have always given rise to criticisms from the Salafis. Although MB came to distance themselves from Sufism and count as a Salafi denomination, the religious life which is influenced by Sufism via Hassan al-Banna in the inner layers of MB is still visible today. Emphasis on the Sufi and mystical approach in MB can form an obstacle to their being driven into Salafi extremism. This study shows and analyzes the role in founding MB played by Hassan al-Banna's religious life deriving from Sufism and mysticism.

Keywords: *Hassan Al-Banna, Sufism, Mysticism, Religion, Muslim Brotherhood, dhīkr, the ceremony for the birth of awlā.*

* Associate Professor, Department of History, Civilization and Islamic Revolution, University of Tehran, Tehran, aleyamin@ut.ac.ir.

تأثیر زیست دینی حسن البنا بر هویت عرفانی اخوان المسلمین

حامد آل‌یمین*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰]

چکیده

اخوان المسلمین یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین نهادها و جریان‌های فرهنگی و سیاسی اجتماعی معاصر در جهان اسلام است. تأثیر حسن البنا، به عنوان مؤسس اخوان المسلمین، در این جماعت به خصوص نوع زیست دینی‌اش، که تصوف و عرفان است، انکارپذیر نیست. رویکرد دینی وی متأثر از تصوف و عرفان به دوران نوجوانی‌اش باز می‌گردد. در این دوران او از مریدان رسمی طریقه‌ای صوفی به نام «طریقه حصافیه شاذلیه» بود و تحت تأثیر و تعلیم شیخ و مؤسس این طریقه عرفانی قرار داشت. از تأسیس اخوان المسلمین، طرح‌ریزی و نظام سلسله‌مراتبی‌اش تا ارتباط میان اعضا با یکدیگر و با مرشد عام، همگی برگرفته از زیست دینی متأثر از تصوف و عرفان است که در تار و پود اخوان المسلمین نفوذ کرده است. سعی وی در به کار بستن محتوا و روش صوفیانه همواره انتقادهایی را از جانب سلفیه در پی داشته است. اگرچه اخوان المسلمین پس از مدتی از تصوف و عرفان فاصله گرفتند و در زمره جماعت‌های سلفی به شمار آمدند، اما نفوذ زیست دینی متأثر از تصوف و عرفان از طریق حسن البنا در لایه‌های درونی اخوان المسلمین، امروزه نیز دیده می‌شود. تأکید بر این رویکرد صوفیانه و عارفانه در اخوان المسلمین می‌تواند مانعی برای به افراط کشیده شدن اخوان المسلمین به سمت سلفیت باشد. این بررسی، زیست دینی ناشی از تصوف و عرفان حسن البنا را در پی‌ریزی جماعت اخوان المسلمین نشان می‌دهد و تحلیل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حسن البنا، تصوف، عرفان، دین، اخوان المسلمین، ذکر، مراسم میلاد اولیا.

مقدمه

اگرچه تصور منشأ صوفیانه برای اخوان المسلمین، که امروزه از جمله جریان‌های سلفی شمرده می‌شود، در نگاه اول دور از ذهن است، اما واقعیتی است که نشان از تحول عظیمی در اخوان المسلمین دارد. پیوند تصوف و اخوان المسلمین را باید قبل از تأسیس اخوان المسلمین و در زیست دینی متأثر از تصوف و عرفان دوران نوجوانی و جوانی مؤسس اخوان المسلمین، حسن البنّا، جست‌وجو کرد؛ دوره‌ای که وی رسماً صوفی و مرید طریقه‌ای صوفیانه بود.

حسن البنّا هیچ‌گاه از تصوفش اظهار ندامت نکرد و حرکت خود را نه خروج از تصوف یا خروج بر آن، بلکه حرکتی در امتداد تصوف می‌دانست؛ حرکتی که همچون صوفیان حقیقی گذشته و حال همراه با اصلاحی بود که ابتدای آن از خود بود و سپس به دیگر بخش‌های جامعه معطوف می‌شد. وی به مثابه صوفی‌ای واقعی در عین باقی‌ماندن بر عهد صوفیانه‌اش سعی در اصلاح تصوف داشت و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

افکار و رویکرد حسن البنّا در طول حیات کوتاهش نشان از قوت‌گرفتن این رویکرد از زیست دینی عرفانی وی دارد؛ بن‌مایه‌هایی که توانست به تأسیس جماعتی منجر شود که یکی از قوی‌ترین ساختارهای تشکیلاتی دنیا و از دامنه‌دارترین مؤسسات عالم است. وی بر اساس همین رویکرد جماعت اخوان المسلمین را تأسیس کرد و در ابتدای این راه نیز از همراهی صوفیان هم‌مسلكش بهره برد. اقتباس اخوان المسلمین از دینداری صوفیانه به حدی بود که ابتدا به عنوان طریقه‌ای صوفیانه شناخته می‌شد و حسن البنّا می‌کوشید حرکت خود را فراتر از نوعی طریقه صوفیانه عادی معرفی کند.

۱. تأثیر تصوف در زیست دینی حسن البنّا

زیست دینی حسن البنّا ریشه در رویکرد صوفیانه در خانواده وی دارد. علت حضور وی در طریقه صوفیه و ارتباطش با طرق صوفیه و نیز ارادت تامش به صوفیه را باید تحت تأثیر خانواده، به‌خصوص پدرش، دانست. پدرش أحمد عبدالرحمن البنّا الساعاتی از محدثان و عالمان الازهر مصر بود که مجلس عبادت و ذکر صوفیانه‌اش شهرت

داشت. حسن البنا، پدرش را در شکل‌گیری روحیه صوفیانه وی، به‌خصوص در تداوم ذکر و حضور در مجالس ذکر، بسیار مؤثر می‌داند. پدرش شرحی بر اذکار صوفیه تحت عنوان *تنویر الأفتدة الزکیة بأدلة أذکار الزروقیه* نگاشته بود که در آن مطابقت این اذکار را با قرآن و سنت نشان می‌داد، که باعث توجه و مواظبت بیشتر حسن البنا بر این اذکار شد (البنا، ۱۹۶۱: ۱۶). طریقه صوفیه‌ای که حسن البنا به عنوان مرید در آن حضور یافت طریقه حصافیه، از فروع طریقه شاذلیه، بود که به دست شیخ حسن بن الحصافی^۱ (۱۸۴۸-۱۹۱۰) تأسیس شد. جذب وی در طریقه ناگهانی نبود. علی‌رغم سن کم، هوش و ذکاوت سرشارش باعث شد جذب وی در طریقه به عنوان مرید و پس از آن ارتقا به دبیری جمعیت خیریه طریقه حصافیه به‌سرعت طی شود. حسن البنا برای ادامه‌دادن، ارتباط، جذب‌شدن و ارتقایافتن در طریقه همواره با استدلال و شواهد پیش می‌رفت که نشان‌دهنده منطقی بودن این ارتباط و تأثیرپذیرفتن وی از احساسات زودگذر نوجوانی است (همان: ۱۵).

روحیه صوفیانه حسن البنا تا حد چشمگیری متأثر از شیخ عبدالوهاب حصافی بود (حسن، ۱۹۴۰: ۱۹۴). این روحیه صوفیانه با انجام‌دادن وظایف روزانه صوفیان، همچون مداومت بر اذکار و اوراد، تا پایان عمر وی استمرار داشت. محمد زکی ابراهیم، رائد عشیره المحمدیه و مؤسس طریقه محمدیه شاذلیه، درباره تصوف حسن البنا می‌گوید: «استاد حسن البنا در سلک تصوف شاذلی بود و همچون ایشان تربیت شد و دعوتش را بر اساس طریقه و اسلوب ایشان آغاز کرد» (ابراهیم، ۱۳۷۴).

۲. نظر حسن البنا درباره تصوف

زمانی که حسن البنا مجله *إخوان المسلمین* را منتشر می‌کرد برای تصوف بخشی جداگانه قرار داده بود و خودش عهده‌دار و نویسنده مقالات این بخش بود (همان). نظر مثبت و آگاهی وی درباره تصوف و صوفیان در این مقالات به‌خوبی روشن است. اعتقاد شیوخ صوفیه به غایی بودن معرفت در طریق وصول به خداوند متعال و رسیدن به قرب و سعادت از جمله قوت‌های تصوف از نگاه وی است. راه رسیدن به این معرفت

تمسک به کتاب و متابعت از سنت پیامبر اکرم است. این تعریف تصوف است که وی برای آن چهار مرحله قرار داده است.

به نظر حسن البنا، مرحله اول تصوف، مرحله عمل ظاهری است که بهره مریدان و عموم مردم است (دسوقی، بی تا). عبادت، ذکر، استغفار در خلوت و زهد به هدف انقطاع الی الله تعالی است. مرحله دوم، مرحله عمل باطنی است که مرتبه صادقین متوجه طریق و مبتدیان از سالکان است و با مجاهده نفس و تطهیر آن از اخلاق ناپسند و تزیین آن به اخلاق فاضله و محاسبه و مراقبه نفس محقق می شود. این دو مرحله اساس طریق است که قرآن کریم و سنت نبوی حدود آن را به طور کامل مشخص کرده اند. از این رو شیوخ نخستین، همچون محاسبی، جنید، ابراهیم ادهم، ذوالنون مصری، بشر حافی، داوود طائی و امثالهم، بر مدار قرآن و سنت قرار داشته و از آن تجاوز نکرده اند (همان).

بنا دریافت احوال و مقامات و اذواق و مواجید را مرحله سوم می داند. در این مرحله ریاضت نفس و مجاهده با آن و مداومت بر عبادت و آداب آن، حجاب حس را رقیق و سلطه روح را تقویت می کند. قرار گرفتن نوری در قلب، جمال و جلال عالم کون و دقائق و اسرار و مظاهر ناپیدایش را برای سالک منکشف می کند. قوت یافتن واردات و احوال در نفس، آنها را به مقامات تبدیل می کند. صعود به احوال و مقامات بالاتر باعث ورود به مرحله چهارم می شود که بهره مستشرقان از سالکان و مبتدیان از عارفان است (البنا، ۱۳۵۲). از آنجایی که این مرحله مختص اذواق و مواجد است تعریف پذیر نیست و دیگران از عهده درکش بر نمی آیند. همین مسئله موجب انکار توصیف کنندگان آنها شده است. انطباق نداشتن برخی از تعبیر ایشان با شریعت نقطه آغاز اختلاف میان فقها و صوفیه است. صوفیان ممکن است به دلیل حسن مقصد همچون تشویق سالکان در تدوین این امور معذور باشند، به خصوص با وحدت در اصل راه و هدف و دقت در اصطلاحات ایشان جایی برای انکار ایشان باقی نمی گذارد. در صورت موافقت کلام این قوم با شریعت اخذ به کلام ایشان می شود و در صورت ناممکن بودن ایجاد اتفاق میان کلام ایشان با شریعت، ولو به نحوی از تأویل مقبول، کلامشان متروک و به صاحبانش ارجاع می گردد و امر آن به خداوند واگذار می شود (دسوقی، بی تا).

چهارمین و آخرین مرحله، به نظر وی، زوال حس و تجرد نفس و وصولش به واسطه حق، به مرتبه شهود حق است. در این مرحله، عبارتی که بتواند آن را تعریف و توصیف کند وجود ندارد. هر آنچه سالکان از آن شنیده‌اند اشاره‌ای از تابش انوار قرب است که سیر را به واسطه آن تعریف کرده‌اند. اگر وصول به این مرتبه ممکن شود عبارات محو و از اشارت‌ها بی‌نیاز می‌گردد و فقط کلام محب و محبوب می‌ماند. این مرتبه مرتبه واصلین عارفین است («الإخوان والتصوف: شبهه التصوف»، بی‌تا). این مرحله فوق فهم و وهم و از خوالج نفسانی و مشاهدات خاصه و لغزشگاه قدم‌ها و محل مهلکه‌ها است، تا آنجا که بسیاری از مریدان و سالکان در آن گمراه شدند. از این‌رو این قوم کلام در این امر را مسکوت گذاشته‌اند (البنا، ۱۳۵۲).

او کلام متقدمان صوفیه را نص کتاب و سنت برمی‌شمرد که از آن تجاوز نمی‌کردند مگر در موقعیت‌های خاص؛ اما در قرون بعدی کتاب و سنت با قواعد علوم مخلوط شد. در مرحله دوم، کتاب و سنت با اقوال ارسطو در تقسیم نفس و بیان احوال آن از قوای شهویه، غضبیه و عقلیه، آن‌طور که در کتب غزالی آمده است، مخلوط شد. در مرحله سوم، اقوال افلاطون و اشراقیون در تجرد نفس و حس ششم و اشراق علوم و معارف بر نفس با ریاضت مخلوط شد.

حسن البنا خطر بزرگ برای عقاید اسلامی و بنیان‌های ایمان را در مرحله چهارم می‌داند، زیرا همان‌طور که در کتب ابن‌دهقان، ابن‌سبعین و ابن‌عربی آمده است، کتاب و سنت با اقوال فلاسفه در وحدت وجود، وحدت شهود و حلول و اتحاد مخلوط شد. کتب‌های نوشته‌شده در این موضوع طریق را بر سالکان مشوش کرده و باعث برانگیخته‌شدن احساسات طرفداران و مرکبی برای ملحدان و اباحیه شده است. زیرا محقق در این موضوع به نهایت نخواهد رسید و اطمینان نفس پیدا نخواهد کرد، مگر اینکه خود به کشف و شهود برسد. پس نوشتن مکاشفاتی که فقط از طریق مشاهده و مکاشفه قابل ارزیابی نیست و فایده‌ای ندارد ارزشی نخواهد داشت. از این‌رو، به نظر وی، دو مرحله اول واجب، و دو مرحله بعد هدیه‌ای است از جانب رب، و اشتغال به واجب مایه وصول به مواهب است (همان).

۳. تأثیر نظر مثبت حسن البنا به طرق صوفیه در اخوان المسلمین

حسن البنا توجهش را صرفاً به تعالیم صوفیان و بنیان‌های اساسی تصوف معطوف نکرد بلکه به صوفیان و طرق صوفیه نیز اهتمام ویژه داشت. توجه وی به طرق صوفیه و تمجید از ایشان و شیوخ برخی طریقه‌ها و حضور در محافل و مراسم و مراکز ایشان تا اواخر عمرش ادامه داشت. حسن البنا در سخنرانی‌اش، در حضور شیخ طریقه میرغنیه ختمیه و مریدانش، ایشان را با صفاتی همچون قلوب طاهره، نفوس کریمه و اعلام جهاد، ابطال عرب و اقطاب رهبران اسلام یاد کرد. وی اخوان المسلمین را مدیون بزرگان میرغنیه می‌دانست، چراکه ایشان همواره با مودت خالص و حرارت از فرستادگان اخوان المسلمین در سودان استقبال می‌کردند و حتی از قدیم، از ابتدای دعوت اخوان المسلمین، اولین یاری‌دهندگان اخوان المسلمین صوفیان ختمی میرغنیه بوده‌اند (نوح، ۱۹۹۸: ۱۹-۲۰).

اخوان المسلمین در واقع ادامه حرکتی بود که حسن البنا در طرق صوفیه آن را آغاز کرده بود و هسته اولیه‌اش را همان اعضای طریقه صوفی حصافیه تشکیل دادند و به رشد و توسعه آن کمک کردند (البنا، ۱۹۶۱). حسن البنا بارها، به هنگام شناساندن هویت و ماهیت اخوان المسلمین، به صوفیانه‌بودنش اذعان کرده است. وی در پاسخ به شبهه شباهت اخوان المسلمین به طرق صوفیه، اخوان را «طریقه صوفیه نقیه‌ای» معرفی می‌کند که برای اصلاح نفوس و تطهیر ارواح و جمع قلوب بر «خداوند علی کبیر» اقدام کرده است. به نظر وی، چون تصوف وجهی از اسلام است برخی از مردم تصور می‌کنند اخوان المسلمین طریقه صوفیه است، چراکه به تعلیم ذکر و فنون عبادت و به تبع آن تجرد و زهد اهمیت می‌دهد (همو، ۲۰۰۸).

در مصر صوفیانی که در طرق‌اند، در صورت داشتن روشی جدید، به تأسیس طریقتی جدید روی می‌آورند که با طریقه اصلی اشتراکات و افتراقاتی دارد. از این رو تعداد طریقه‌های صوفیه به بیش از هفتاد طریقه می‌رسد. اینکه حسن البنا طریقت جدیدی تأسیس نکرد، به اذعان خودش، واردنشدن اخوان المسلمین در خصوصت‌های میان طرق بود. با پرهیز وی از ایجاد طریقه‌ای از صوفیه، دعوتش عمومی‌تر می‌شد،

چراکه عضویت در یک طریقه مخالف عضویت در طریقه‌ای دیگر است؛ اما در مجموعه‌ای که عنوان هیچ یک از طرق صوفیه را نداشته باشد اعضای طرق می‌توانند در عین عضویت در طریقه خود عضو اخوان‌المسلمین شوند (همو، ۱۹۶۱). وی رویکرد صوفیانه را نه به شکل طریقتی‌اش، بلکه خارج از طریقت و الهام‌گرفته از آن در جماعت اخوان‌المسلمین جست‌وجو می‌کرد (بیومی، ۱۹۹۱).

به نظر می‌رسد حسن البنا با تأسیس اخوان‌المسلمین و آغاز حرکتی جدید سعی در استفاده هرچه بیشتر از مزایای طریقت و دورماندن از معایب آن داشت. آنچه حسن البنا از تصوف اخذ کرده بود، در واقع، صوفیه تهذیب‌شده بود نه تصوف ناپسندی که در طرق صوفیه به شکل سلبی وجود دارد. آنچه وی بیشتر بر آن تأکید می‌کرد بُعد روحی و تربیتی تصوف و توجه به تهذیب نفس و تطهیر باطن و روحانیت متبلور در تصوف بود (الصیاد، بی‌تا). داشتن حقیقت صوفی اخوان‌المسلمین به عنوان یکی از شعارهایشان چه بسا ناظر به این بُعد تصوف باشد (Hoffman, 1995: 362)؛ چراکه وی دلیل صوفیانه‌بودن حقیقت اخوان‌المسلمین را این می‌داند که صوفیان اساس خیر را، طهارت نفس و پاکی قلب و مواظبت بر عمل و اعراض از خلق و محبت خداوند و ارتباط بر اساس خیر می‌دانند (البنا، ۲۰۰۸: رساله مؤتمر الخامس).

تلاش حسن البنا برای عملی‌کردن فضای معنوی و روحی حاکم بر تصوف در میان اعضای اخوان‌المسلمین همراه با تأکید وی بر رویکرد زاهدانه و معطوف به سلوکی بود که بزرگان تصوف نخستین بر اساس آن عمل می‌کردند. او این روش صوفیه نخستین را «علم تربیت و سلوک» می‌نامید که لب و اصل اسلام است. وی می‌گفت بدون تردید صوفیه به مرتبه علاج نفس و طبابت آن رسیدند و مردم را بر همین اسلوب بر اساس نقشه‌ای عملی حرکت دادند که این نقشه انجام فرائض و اجتناب از نواهی و توجه صادقانه به حضرت حق است. اگرچه این کارها اغلب با توجه به احوال زمانه با مبالغه‌هایی همچون صمت، گرسنگی، بیداری شب و عزلت توأم می‌شد اما همه آنها اصلی در دین داشته است (دسوقی، بی‌تا).

این رویکرد حسن البنا در برخی از شاگردانش تأثیر گذاشت؛ شاگردانی که بعدها به مرشد عام اخوان المسلمین، بالاترین مقام رسمی این سازمان، منصوب شدند. عمر تلمسانی، از شاگردان حسن البنا و سومین مرشد اخوان المسلمین، صوفیان را طایفه‌ای از مسلمانان می‌داند که محبوب‌ترین ایشان در قلب و نزدیک‌ترین ایشان به وی هستند. وی تأکید می‌کند که منظورش نه همه، بلکه جماعتی از صوفیان است که درون و قلب خود را صاف کرده و خود را به واسطه تقوا زینت داده‌اند و نیت ایشان با ایمان نیکو شده است. وی صوفیان حقیقی را کسانی می‌داند که طریق تصوف را به حق شناخته‌اند و عمل خود را برای خدا خالص، و خود را به راه مؤمنان ملتزم کرده‌اند (همان).

۴. اقتباس حسن البنا از تصوف در اخوان المسلمین

تأثیرپذیری حسن البنا و جماعت اخوان المسلمین از تصوف در بُعد تشکیلاتی و نیز بُعد تعلیمی صوفیان نیز تبلور یافته است. به نظر می‌رسد تشکیل سازمان منسجمی همچون جماعت اخوان المسلمین با الهام از تشکیلات رسمی تصوف مصری صورت گرفته باشد. نام‌گذاری ریاست اخوان المسلمین به «مرشد»، که عنوانی برگرفته از فرهنگ تصوف است، در همین راستا توجیه‌پذیر است. استفاده از اذکار و اوراد روزانه و توجه به محبت میان اعضا و علاقه و ارادت به رهبر جماعت از جمله اقتباس حسن البنا از بُعد تربیتی حیات صوفیانه است. علی‌رغم اینکه امروز اخوان المسلمین به عنوان جریان‌ی تند و سلفی معروف است چنین ویژگی‌های صوفیانه‌ای در اخوان المسلمین باقی است (ابراهیم، ۱۳۷۴).

۴. ۱. ذکر جمعی و مأثور بودن آن

مداومت بر ذکر در اخوان المسلمین همچون تصوف مصری از لوازم و شرایط عضویت و باقی ماندن در این مجموعه است (محمود، ۱۹۹۹: ۱۱۰). یکی از تمایزات طرق صوفیه در مصر، تمایز اذکار هر طریقه است. مؤسس هر طریق با انشاء اذکاری مخصوص طریقه شناخته می‌شود (نجار، ۱۹۹۰: ۱۷۸-۱۹۶). حسن البنا استفاده از ذکر را یکی از بهترین شیوه‌های تربیتی و تعالی روحی اخوان المسلمین می‌داند و بر آن تأکید

دارد. اخوان‌المسلمین برای اعضای خود و همه مسلمانان مداومت بر ذکر را ضروری دانسته و مانند طریقه‌ای صوفی برای اعضایش اذکار مشخصی را تعلیم، و ایشان را به آن ملتزم می‌کند. این اوارد و اذکار را، که بر اساس قرآن و حدیث است، حسن البنا در رساله‌ای تحت عنوان *مأثورات* جمع‌آوری کرده و اعضای اخوان‌المسلمین به مواظبت بر آن مکلف شده‌اند؛ ورد الدعاء، ورد الرابطة، ورد المحاسبة، وظیفه کبری مجموعه‌ای از اذکار برای وسعت وقت و وظیفه صغری در تنگی وقت است. اذکاری نیز برای مواقع مختلف روز به صورت روزانه و برای انجام‌دادن کارهای خاص و به صورت هفتگی در این رساله وجود دارد.

تأکید حسن البنا بر ذکر، آن هم به شیوه مأثور به دوران نوجوانی وی و حضورش در طریقه حصافیه برمی‌گردد. وی نداشتن عبارات فلسفی و الفاظ غیرعربی و شطحات در اذکار را از محسنات آن می‌داند و شرح پدرش بر اذکار طریقه زروقیه و برشمردن مستندات حدیثی و قرآنی اذکار را می‌ستاید (البنا، ۱۹۶۱: *الطریقه الحصافیة*). البته صوفیه تأکیدی بر مأثور بودن ذکر و وجود نصی از قرآن و سنت بر آن ندارند (نجار، ۱۹۹۰: ۱۷۸-۱۹۶). حسن البنا برای ارتقای روحی جماعت، علاوه بر توصیه به محاسبه و مراقبه، به ذکر جمعی نیز اهمیت بسیار می‌داد (نک: البنا، ۱۹۸۵). حتی برای آن آداب مشخصی وضع کرد (همان: ۴۶۳). برای این منظور وی به شیوه صوفیه در این زمینه رجوع کرد و کتاب *التوهم* حارث محاسبی را از کتب تربیتی در اخوان‌المسلمین قرار داد تا در جلسات تدریس شود. این روش نیز متأثر از دوران نوجوانی او و شیفتگی‌اش به حلقه‌های ذکر صوفیانه است. وی حضور در حلقه‌های ذکر را یکی از خاطرات به‌یادماندنی و روحانی خود دانسته است (البنا، ۱۹۶۱: *الطریقه الحصافیة*).

تأکید وی بر ذکر جمعی به شیوه صوفیه علی‌رغم اعتقاد سلفیان بود که آن را نوعی بدعت می‌دانند. انتقاد سلفیان از حسن البنا راجع به ذکر جمعی باعث انفعال وی نشد. وی در مقابل شبهات ایشان، از ذکر جمعی دفاع کرد و این عمل را نه مباح کردن بدعت، بلکه اساساً خارج از بدعت دانست و در برابر استدلال ایشان مبانی دینی آن را بیان کرد («الموقف من البدع والبیعة»، بی‌تا، الذکر وأحكامه .. الشرعی والبدعی منه).

۴. ۲. رابطه مراد و مریدی اخوان المسلمین

رابطه حسن البنا با اعضای اخوان المسلمین نشان‌دهنده نوعی رابطه مراد و مریدی است که در طرق صوفیه وجود دارد. نگاه اعضای اخوان المسلمین به وی همراه با نوعی از قداست و کرامت بود. حسن الهضیبی، که بعد از وی مرشد عام اخوان المسلمین شد، در مقاله‌ای با عنوان «مرشد ملهم» از او چنین یاد می‌کند:

چشمان ما به او دوخته شده بود، در حدی که نمی‌توانستیم چشم از او برداریم. و به خدا سوگند، تصور می‌کردیم که هاله‌ای از نور یا «برقی» در چهره کریمانه‌اش بود که جذابیتش را بیشتر می‌کرد و او یک ساعت و چهل دقیقه سخنرانی کرد و احساس ما ترس از به پایان رسیدن سخنانش بود (عبدالعزیز، ۲۰۰۰).^۲

ورود به جماعت اخوان المسلمین و عضویت در آن، همچون طرق صوفیه، همراه با عهد و بیعت با مرشد جماعت است. این عهد و بیعت، شبهه کسانی را تقویت می‌کند که اخوان المسلمین را از جمله طرق صوفیه برمی‌شمردند. عهد و بیعت شخص تازه‌وارد در اخوان المسلمین به این شکل است:

من با خداوند متعال عهد می‌بندم بر پای‌بندی به دعوت اخوان المسلمین و «جهاد» در راه آن، و عمل به شروط عضویت در آن، و اعتماد کامل به رهبری آن، و تسلیم و اطاعت در آنچه خوشایندم باشد یا نباشد و به خداوند بزرگ بر این عهد سوگند می‌خورم و بر اساس آن بیعت می‌کنم و خداوند بر آنچه می‌گویم وکیل است (الأمین، بی‌تا).^۳

عهد و بیعت در طریقه حامدیه شاذلیه نیز، که به نحو ذیل است، به‌روشنی این مشابهت در عبارات را نشان می‌دهد. تفاوت این عهد مرید تازه‌وارد در طریقه صوفیه با عهد اخوان المسلمین همانند تفاوت میان عبارت عهد در بین طرق صوفیه است:

همانا عهد بستم و معاهده می‌بندم و عهد کردم با خداوند و گواه می‌گیرم خودم را که بر تسلیم و اطاعت پیشوایم ملتزم باشم و با قلبم و اعضا و جوارحم و زبانم با او مخالفت نکنم و این را نذر برای خدا قرار می‌دهم و عهدی شرعی،

صحیح، صریح، جزمی، قطعی، حتمی، ظاهری و باطنی تا زمانی که زنده‌ام و بر نیت پیشوایم باشم و این عهد در دنیا و آخرت از من مطالبه می‌شود و در پیشگاه خداوند متعال و در قبال آن مسئولم و اگر با پیر و مرادم مخالفت، و او را انکار یا به او اعتراض کنم، یا در قبال او تغییر موضع دهم خائن و عهدشکن و نقض‌کننده عهد و میثاق خداوند باشم (حسن، ۱۴۳۰: ۱۶۳).^۴

رابطه مراد و مریدی در اخوان‌المسلمین، علاوه بر خشوع و قداست برای مرشد، همچون طرق صوفیه به طاعت و پیروی محض از مرشد هم می‌انجامد. تأکید بر سمع و طاعت در تمام فعالیت‌ها، ولو علی‌رغم میل شخص، یادآور فضای اطاعت محض از شیخ در طرق صوفیه است. حسن البنا خود به این نکته واقف است و نظام دعوت در مرحله تکوین اخوان‌المسلمین را از جهت روحی «صوفی‌بخت» می‌نامد؛ یعنی بُعد روحی دعوت اخوان‌المسلمین مبنایی صوفیانه دارد. البته از جهت دیگر این اطاعت محض، نظامی هم هست. به نظر وی، شعار این دو بُعد صوفی و نظامی «امر و طاعت» است؛ با این وصف که این امر و طاعت بدون تردید و حرج باشد. وی این مرحله از دعوت را مرحله خاصی می‌داند که کسی به آن نمی‌رسد، مگر آنکه توانایی کامل و حقیقی در تحمل تبعات جهاد داشته باشد. اولین نشانه‌های این استعداد کمال طاعت است (البنا، ۲۰۰۸: رساله‌التعالیم). سمع و طاعت و حالت مرشد و مریدی میان خود حسن البنا و شاگردانش آن‌قدر به طرق تصوف نزدیک بود که شاگردان وی همچون عمر تلمسانی، مرشد سوم اخوان‌المسلمین، و نیز صالح عشماوی، جانشین حسن البنا، در زمان حیاتش برای نشان‌دادن این ارتباط از اصطلاحات صوفیانه در رابطه مراد و مریدی استفاده کرده‌اند، که مرید را همچون میتی در دستان غسل می‌داند:

به سبب اطمینان کامل به درستی همه آنچه می‌بیند با چشم و گوش و عقل جنابش می‌دیدم و می‌شنیدم و فکر می‌کردم و حتی اگر به نظر برخی از مردم، این کار خطا و نفی شخصیت خود باشد، ولی من در مقابل استاد حسن البنا مانند میت در دستان غسل بودم و از این وضعیت بیشترین خوش‌بختی و خوشحالی را داشتم^۵ (رزق، ۱۹۹۶: ۱۵۶).

در جای دیگر می‌گوید: «برادر [عضو اخوان] در برابر مرشدش همانند مرده‌ای در دستان غسال است، هر گونه که بخواهد او را تکان می‌دهد. و هر یک از ما نظرش را رها می‌کند، زیرا خطای مرشد را سودمندتر از نظر درست خویش می‌داند»^۶ (عشماوی، ۱۹۵۲).

۴. ۳. شباهت ساختاری اخوان المسلمین و تصوف

تأثیرپذیری اخوان المسلمین از تصوف در ساختار سلسله‌مراتبی‌اش یکی دیگر از تأثیرات تصوف بر اخوان المسلمین است. حسن البنا همان سلسله‌مراتبی را که در طرق صوفیه معمول بود در اخوان المسلمین برقرار کرد. متناظر با مقام شیخ‌المشایخ، مقام مرشد عام در اخوان المسلمین شکل گرفت. در مقابل مجمع عمومی طرق صوفیه، مجلس شورای عمومی و در مقابل مجلس اعلای صوفیه مکتب ارشاد اخوان المسلمین قرار داده شد («الإخوان المسلمون»، بی‌تا). توجه وی به ساختارهای صوفیانه تا حدی بود که حتی در عنوانی که در اخوان المسلمین استفاده می‌کرد از مفاهیم صوفیانه بهره می‌گرفت. مثلاً رئیس اخوان المسلمین را «مرشد کامل» نامید، عنوانی که مرتبط به فضای صوفی، و اصطلاحی صوفیانه است (حوی، ۱۹۹۹) در واقع، وی با این کار از فضایی که مؤسسات سیاسی دیگر دارند دور شد و از القابی همچون «رئیس»، «مدیر» و «زعیم» استفاده نکرد، بلکه در تقویت بُعد روحانی جماعت اخوان المسلمین کوشید (تمام، ۲۰۰۸). تعیین مراتب تشکیلاتی اخوان المسلمین نیز بر اساس مراتبی است که در طرق صوفیه وجود دارد. حسن البنا نیز طبق همین مراتب در طرق صوفیه وارد شده است. وی در طریق حصافیه از مرتبه «محب» به مرتبه «تابع مبایع» ارتقا یافت (البنا، ۱۹۶۱) و همین شیوه را در عضوگیری اخوان المسلمین ادامه داد. مرتبه «محب» یکی از این مراتب اولیه است (همان). یکی دیگر از این مراتب «برادر مساعد» است که برای کسانی است که برای ورود به اخوان المسلمین رغبت دارند و هنوز وارد نشده‌اند؛ و پس از آن منتسب است که شخص به اخوان المسلمین ملحق می‌شود. از دیگر مراحل «مبایع» است (التلمسانی، ۲۰۱۲، مراحل الانضمام الی الجماعه)؛ و بعد «عامل» که در آن وظایفی خاص

برای او مشخص می‌شود. در نهایت مرتبه «مجاهد» است. معیارهایی که حسن البنا برای ارتقای رتبه اعضای اخوان المسلمین قرار داده بود نیز ملهم از فضای صوفیانه است که عبارت است از: ملتزم بودن به عباداتی همچون عبادت در شب، روزه گرفتن، تعهد به قرائت قرآن و ... (البنا، ۱۹۶۱).

۵. برگزاری مراسم میلاد اولیا

برگزاری جشن و مراسم در سالگرد میلاد پیامبر اکرم و اولیای الهی همچون حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) و حضرت نفیسه، از نوادگان امام حسن (ع)، و نیز بزرگان و شیوخ تصوف همچون سید احمد بدوی، ابراهیم دسوقی و ابوالحسن شاذلی («موالد أهل البيت»، بی تا) یکی از رسوم تصوف مصری است. حضور صوفیان در این مراسم چشم هر بیننده را خیره می‌کند (نک: السندوبی، ۱۹۴۸). جشن‌ها و مراسم صوفیان در سالگرد اولیا، که به «مولد» و جمع آن «موالد» اولیا مشهور است، در اغلب شهرها و روستاهایی که مشایخ صوفیه در آن مرقد و ضریحی دارند برگزار می‌شود (نک: عویس، ۲۰۰۱). علاوه بر موالد اهل بیت و اولیا، احتفالات و مراسم دیگری در فرهنگ تصوف مصری وجود دارد. احتفال به مناسبت شب قدر، شب معراج پیامبر و همچنین آغاز هجرت پیامبر و احتفال هر یک از طرق صوفیه به مناسبت میلاد مؤسس طریقه از جمله مراسم صوفیان است (جادالله، ۱۹۹۸: ۲۴۵، به نقل از: نصیری و همکاران، ۱۳۹۵).

این مراسم، ابراز محبت و توجه به اهل بیت پیامبر و اولیای الهی و نشر فضایل ایشان و همچنین زنده نگه داشتن یاد ایشان است. در این احتفالات اعمالی همچون ذکر خداوند، اطعام، قرائت قرآن، سخنرانی و وعظ، صدقه دادن و کارهای خیر صورت می‌پذیرد (یونگ، ۱۹۹۵: ۶۴-۶۵). در کنار اینها، به دلیل حضور جمعیت فراوان و اقشار مختلف مردم و مسائل منفی عفت و شرع همچون اختلاط میان مردان و زنان که در محل‌های پُرازدحام رخ می‌دهد و نیز بزهکاری که معمولاً در اجتماعات صورت می‌گیرد (زکی مبارک، ۱۴۲۷: ۲۷۳) همواره دلیلی برای مخالفت با این گونه مراسم بوده است (العبد،

۱۴۱۹: ۱۹۷). البته در انکار معاصی و منکرات صورت گرفته در این مراسم اتفاق نظری در میان خود صوفیان و غیر ایشان، از موافقان و مخالفان تصوف، وجود دارد (مشیخه عموم الطرق الصوفیه، ۱۳۷۸: ۶۰).

امروزه تفکر سلفی وهابی، که عالمان سعودی همچون آل شیخ، بن باز، البانی، بن عثیمین و ... آن را نمایندگی می‌کنند، این جشن را بدعتی حرام دانسته است، چراکه در زمان پیامبر و اصحاب و تابعین چنین عملی انجام نشده و باید ترک شود (نک: مجموعه من العلماء، ۱۴۱۹). در مقابل این رویکرد، جواز برگزاری مراسم میلاد پیامبر است که عالمان غیروهابی، همچون عالمان الازهر، به آن فتوا می‌دهند. ایشان این گونه مراسم را نشانه محبت به پیامبر و از اصول ایمان مستحبات مؤکده می‌شمردند (نک: أمانة الفتوى، ۲۰۰۷، به نقل از: نصیری و همکاران، ۱۳۹۵).

اخوان المسلمین، به تبع حسن البنا، همسو با عالمان معتدل مصر اصل این گونه مراسم را انکار نکرده و آن را بدعت ندانسته‌اند (نک: علوی المالکی الحسینی، ۱۴۳۱). البته ایشان در انکار این موضوع و انتقاد از مظاهر سلبی و منکرات آن اهتمام داشته و مقالاتی درباره آن در مجله اخوان المسلمین نگاشته‌اند، از جمله «المفاسد التي تقترب بالموالد». إخوان المسلمین تصوف غیر حقیقی را تصوف موالد و مراسم نام‌گذاری کرده است، به این معنا که این موضوع یکی از عوامل انحراف تصوف از مسیر درست خود است که باعث زشت کردن چهره تصوف شده است. توجه به میلاد اولیا و مراسم صوفیه، که نوعاً از نگاه اخوان المسلمین خالی از بدعت و گناه نیست، معیاری برای بازشناسی تصوف حقیقی از تصوف غیر حقیقی است (أبو العز، ۲۰۰۹).

از طرف دیگر، حضور مؤسس اخوان المسلمین در مراسم و میلاد اولیا، به خصوص پیامبر اکرم، و سخنرانی در آن نشان از توجه به برگزاری درست این مراسم است. خود وی در مولد پیامبر اشعاری در مدح پیامبر به شیوه صوفیه می‌خواند (محمود، ۲۰۰۴: ۱۰۹/۱) و احیای این مراسم و جشن گرفتن آن را حق مردم می‌دانست و تأکید می‌کرد که اخوان المسلمین این مراسم را برگزار کنند (السیسی، ۲۰۰۰: ۴۸/۱). به نظر حسن البنا، احیای مناسبت‌های دینی از امور مهم در حرکت اخوان المسلمین است و توجه به مولد

پیامبر اکرم و جشن گرفتن به نحو حساب‌شده و عالمانه از بدیهیات در فقه الدعوة است که از نظر فقهی مقبول است (حوی، ۱۹۹۹: ۱۴۶).

مراسمی که اخوان المسلمین در نتیجه تعالیم حسن البنا، همچون دیگر صوفیان به آن اهتمام داشتند منحصر در میلاد پیامبر نمی‌شد، بلکه جشن و مراسم برای اتفاقات مهم تاریخی دیگر، که در مصر از رسوم صوفیه است، در اخوان المسلمین عادی تلقی شده است. مرشدهای دیگر اخوان المسلمین نیز همواره به مولد اهل بیت (ع) و پیامبر اکرم (ص) توجه داشته‌اند و همچون حسن البنا به صدور بیانیه و سخنرانی در سالروز میلاد پیامبر اهتمام ورزیده‌اند (مرشدی الإخوان المسلمین، بی‌تا)؛ مراسم‌هایی همچون سالگرد جنگ بدر، سالگرد شب اسراء، معراج و هجرت پیامبر (ص) (السیسی، ۲۰۰۰: ۱/۱۴۱-۱۴۲) و همچنین سالگرد تأسیس اخوان المسلمین (همان: ۲۶۰/۱) و نیز سالگرد وفات مؤسس اخوان المسلمین حسن البنا (محمود، ۲۰۰۴: ۱۷۹/۳).

در این برنامه‌ها معمولاً ضمن برپایی جشن در مقابر اولیا و دعوت از مردم، سخنرانان و رهبران اخوان المسلمین، همچون حسن البنا، افکار اخوان المسلمین را ترویج می‌کردند. در مراسم جشن هجرت پیامبر (ص)، حسن البنا در سخنرانی‌اش این آیین را تأیید کرد. به نظر وی، این مراسم از سنت‌ها و مقتضیاتی است که خروج از آن امکان ندارد و به واسطه عواطف مردم نمی‌توان با آن مخالفت کرد. خود وی نیز، همانند مشایخ صوفیه، در این مراسم به موعظه و سفارش به تطهیر قلب اقدام می‌کرد:

برای چنین مراسمی آداب و رسوم و لوازمی است که نمی‌توان از آنها دست برداشت یا با آن مخالفت کرد، هرچند عواطف خدشه‌دار شود و احساسات قلبی را شعله‌ور کند و هرچند خداوند کریم، شعور و حس پیچیده‌ای را بر دل‌ها عنایت کند. و از قَبَل این مراسم‌ها است که زنده می‌شوید، پس خداوند شما را زنده بدارد و سلامش و رحمت الاهی و برکاتش بر شما باد. و نیز به مناسبت موسم بزرگ، فرارسیدن عید هجرت به شما تهنیت می‌گوییم؛ و رسالت هجرت و آرمان هجرت، آرمانی است برای فداکردن بهترین‌ها^۷ («تاریخ الإخوان فی محافظة القاهرة»، بی‌تا).

نتیجه

علی‌رغم ظاهر سلفی‌ای که امروزه در اخوان المسلمین ظهور و بروز بیشتری دارد، لایه‌های درونی‌اش تحت تأثیر حسن البنا رنگ و بوی صوفیانه دارد. اخوان المسلمین ابتدا حرکتی با صبغه تصوف داشت که عده‌ای صوفی با محوریت حسن البنا آن را تأسیس کردند. نگاهی به رویکرد رهبران و مرشدان اخوان المسلمین نشان می‌دهد که در میان ایشان یا گرایش به تصوف و نگاه مثبت به تصوف وجود داشت یا اینکه خود در زمره صوفیان بودند.

حسن البنا جنبه‌های مختلفی از تصوف را در اخوان المسلمین نهادینه کرد که تا به امروز در میان ایشان متداول است و مانع روند سلفی‌شدن اخوان المسلمین شد. وی از حلقه‌های ذکر صوفیان برای تعالی معنوی و ارتباط عاطفی میان اعضای اخوان المسلمین بهره برد و در مقابل سلفیه و انتقادات ایشان در این خصوص ایستادگی کرد. ساختاری که وی در اخوان المسلمین بنا نهاد بر اساس طرح نظام تصوف مصری بود. این اقتباس، هم از جهت ساختار بیرونی و نظام سلسله‌مراتبی و هم از جهت معنوی و رابطه معنوی میان اعضا با یکدیگر و میان اعضا و مرشد اخوان المسلمین آشکار است. عهدی که در بدو ورود از اعضای رسمی گرفته می‌شود تشابه تامی با عهد صوفیانه میان مرید و شیخ طریقه دارد. ارتباط معنوی میان خود حسن البنا با اعضا نیز تفاوتی با رابطه مراد و مریدی تصوف ندارد و رابطه اعضای اخوان المسلمین با وی همچون رابطه میتی با غسل بود. از دیگر شواهد مهم نفوذ تفکر تصوف در اخوان المسلمین از ناحیه حسن البنا اهتمام اخوان المسلمین به مراسم میلاد پیامبر (ص) است که همچون صوفیان و برخلاف سلفیه این‌گونه مراسم را تأیید، و در این مناسبت‌ها برنامه جشن برپا می‌کنند. توجه به این بُعد صوفیانه و عمق نفوذ آن در اخوان المسلمین می‌تواند تأثیرات تفکر سلفی را در میان اخوان المسلمین کم‌رنگ‌تر کند و مانع فاصله‌گرفتن از فرهنگ معتدل مصری‌ای شود که صبغه تصوفی دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شیخ حسنین الحصافی، مؤسس طریقه حصافیہ شاذلیہ و از عالمان الازھر بود کہ در توجہ بہ شریعت در کنار طریقت می‌کوشید (البشیر، ۲۰۱۱).
۲. لقد تعلقت أبصارنا به و لم نجد لأنفسنا فكاكا من ذلك، و حَلَّتْ - والله - أن هالَّةً من نور أو «مغنابيساً» بوجهه الكريم، فيزيد الانجذاب إليه، خطب ساعةً و أربعين دقيقةً، و كان شعورنا فيها شعورَ الخوف من أن يفرغ من كلامه.
۳. أعاهد الله العلي العظيم على التمسك بدعوة الإخوان المسلمين و«الجهاد» في سبيلها، والقيام بشرائط عضويتها، والثقة التامة بقيادتها، والسمع والطاعة في المنشط والمكره، و أقسم بالله العظيم على ذلك و أبايع عليه، والله على ما أقول وكيل.
۴. إني عاهدت الله و أعاهد الله و أعهد إلى الله و أشهد على نفسي، بأنني قد التزمت السمع والطاعة لشيخي هذا فلا أخلفه بقلبي و لا بجوارحي و لا لسانی و قد جعلت هذا نذراً على الله، و عهداً شرعياً صحيحاً صريحاً جازماً بتأثيراً و باطناً مادمت حياً و على نية شيخني هذا، و مطالباً به في الدنيا و الآخرة و مسؤولاً عنه بين يدي الله تعالى، فإذا خالفت شيخني هذا أو نكرت عليه، أو اعترضت أو غيرت أو بدلت، أكون خائناً و ناكثاً و ناقضاً لعهود الله و موثيقه.
۵. كنت ارى و اسمع و افكر بعين فضيلته و آذانه و عقله لثقتي المطلقة في صواب كل ما يرى و قد يكون في هذا شيء من الخطأ و إلغاء الشخصيه عند بعض الناس و لكنني كنت بين يدي الأستاذ حسن البنّا مثل الميت بين يدي مغسله و كنت سعيداً بهذا كل السعادة.
۶. الأخ بين يدي مرشده كالميت بين يدي مغسله، يقلّبه كيف يشاء. وليدع الواحد منا رأيه، فإن خطأ المرشد أنفع له من صوابه.
۷. لمثل هذه الاحتفال تقاليد و مقتضيات لا نستطيع الخروج عنها أو مخالفتها مهما أضربت العواطف في النفوس، و اشتعلت في القلب الأحاسيس و مهما أفاض المظهر الكريم على الأفتدة من شعور غامر، و من هذه التقاليد أن أحبكم فحياكم الله و سلامه عليكم و رحمة الله و بركاته. و منها أيضاً أن أهنتكم بالموسم الكريم، موسم استقبال عيد الهجرة و رسالة الهجرة و مبادئ الهجرة، مبادئ التضحيات الغاليات.

منابع

- آل يمين، حامد (۱۳۹۴). تحليل رابطہ تصوف و اخوان المسلمین مصر، استاد رهنما: حامد ناجی اصفهانی، استادان مشاور: مهدی فرمانیان، علیرضا ابراهیم، پایان‌نامه دکتری تصوف و عرفان اسلامی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- «الإخوان المسلمون» (بی‌تا). ویکیبیدیای الإخوان المسلمون، <https://b2n.ir/287460>.
- «الإخوان والتصوف: شبهة التصوف» (بی‌تا). ویکیبیدیای الإخوان المسلمون، <https://b2n.ir/511404>.
- «الموقف من البدع والبيعة» (بی‌تا). ویکیبیدیای الإخوان المسلمون، <https://b2n.ir/780506>.
- «تاريخ الإخوان في محافظة القاهرة» (بی‌تا). ویکیبیدیای الإخوان المسلمون، <https://b2n.ir/932697>.

تأثير زيست دينى حسن البنّا بر هويت عرفانى اخوان المسلمين / ١٠٣

«عبد الرحمن البنّا (الساعاتى) و تجربة المسرح الإسلامى» (بى.تا). ويكيبيديا الإخوان المسلمون،
<https://b2n.ir/595919>

«موالد أهل البيت» (بى.تا). البرهانية، <https://b2n.ir/533383>.
إبراهيم، محمد زكى الدين (١٣٧٤). «المعركة بين الإخوان والصوفية تصوف الأستاذ البنّا وأسرتة
و أنصاره القدامى حقيقة التصوف و أثره فى الحركات الإسلامية أسباب حملة الإخوان على
التصوف»، در: المسلم، <https://b2n.ir/376818>

أبو العز، محمد (٢٠٠٩). «الصوفية والإخوان علاقة نائمة ... هل تسيقظ؟»، أهل القرآن،
<https://b2n.ir/854513>

أمانة الفتوى (٢٠٠٧). «الاحتفال بالمولد النبوى و مولد آل البيت والصالحين»، دار الافتاء المصرية،
<https://b2n.ir/158652>

الأمين، محمد (بى.تا). «الإخوان المسلمون من النشأة إلى الحل: مطالعة فى الوثائق الأصلية»،
ويكيبيديا الإخوان المسلمون، <https://b2n.ir/980061>

البشير، مروة (٢٠١١). «الحصافية الشاذلية»، الأهرام اليومى، <https://b2n.ir/355772>.
البنّا، حسن (١٣٥٢). «التصوف والأخلاق»، جريدة الإخوان المسلمين، السنة الاولى، العدد الثانية،
ص ١١-١٣.

البنّا، حسن (١٩٦١). *مذكرات الدعوة والداعية*، القاهرة: دار الكتب العربى، <https://b2n.ir/724454>.
البنّا، حسن (١٩٨٥). *المأثورات*، بيروت: دار ابن حزم، <https://b2n.ir/720332>.

البنّا، حسن (٢٠٠٨). *رسائل الإمام الشهيد حسن البنّا*، القاهرة: دار الدعوة، <https://b2n.ir/939715>.
التلمسانى، عمر (٢٠١٢). *ذكريات لا مذكرات*، القاهرة: دار التوزيع والنشر الإسلامية،
<https://b2n.ir/998850>

بيومى، زكريا سليمان (١٩٩١). *الإخوان المسلمون والجماعات الإسلامية فى الحياة السياسية
المصرية ١٩٢٨-١٩٤٨*، القاهرة: مكتبة وهبة للطباعة والنشر. <https://b2n.ir/845167>.
التلمسانى، عمر (٢٠١٢). *ذكريات لا مذكرات*، القاهرة: دار التوزيع والنشر الإسلامية،
<https://b2n.ir/998850>

تمام، حسام (٢٠٠٨). «الإخوان والصوفية ... ماض غير مستعاد»، الاسلاميون: بوابه الطرق الصوفية
والحركات الإسلامية، <https://b2n.ir/995036>

جاد الله، منال عبد المنعم (١٩٩٨). *التصوف فى مصر والمغرب*، الإسكندرية: منشأة المعارف
بالاسكندرية جلال حزى شركاه.

حسن، عمار على (١٤٣٠). *التنشئة السياسية للطرق الصوفية فى مصر: ثقافة الديمقراطية ومسار
التحديث لدى تيار دينى تقليدى*، الاسكندرية: دار العين للنشر.

حوى، سعيد (١٩٩٩). *تربيتنا الروحية*، القاهرة: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة.

دسوقی، عبده مصطفی (بی‌تا). «الإخوان المسلمون والصوفية»، ویکیبیدیا الإخوان المسلمون،
<https://b2n.ir/511404>

رزق، جابر (١٩٩٦). الإمام الشهيد حسن البنا بأقلام تلامذته و معاصريه، القاهرة: دار الوفاء
للطباعة والنشر والتوزيع.

زکی مبارک، محمد (١٤٢٧). التصوف الاسلامی فی الادب والاخلاق، صیدا- بیروت: المكتبة
العصرية.

السندوبی، حسن (١٩٤٨). تاریخ الاحتفال بالمولد النبوی من عصر الإسلام الأول إلى عصر
فاروق الأول، القاهرة: مطبعة الاستقامة.

السیسی، عباس (٢٠٠٠). فی قافلة الإخوان المسلمين، القاهرة: دار التوزيع والنشر الإسلامية.
الصیاد، محمد (بی‌تا). «البعث الصوفی لدى الإخوان المسلمين»، ویکیبیدیا الإخوان المسلمون،
<https://b2n.ir/352397>

عبد العزیز، جمعة أمين (٢٠٠٠). أوراق من تاریخ الإخوان المسلمين، القاهرة: دار التوزيع والنشر
الإسلامية،
<https://b2n.ir/504319>

العبد، عبد اللطیف محمد (١٤١٩). التصوف فی الإسلام و أهم الاعتراضات الواردة عليه، القاهرة:
دار النصر.

عشماوی، صالح (١٩٥٢). جریة الدعوة، ١٢ دسامبر.
علوی المالکی الحسنی، السيد محمد (١٤٣١). حول الاحتفال بذكری مولد النبوی الشریف،
صیدا - بیروت: المكتبة العصرية.

عویس، سید (٢٠٠١). قراءات فی موسوعة المجتمع المصري، القاهرة: الهيئة المصرية العامة
للكتاب.

مجموعة من العلماء (١٤١٩). رسائل فی حکم الإحتفال بالمولد النبوی، الرياض: دار العاصمة
للنشر والتوزيع.

محمود، عبد الحلیم (١٩٩٩). قضية التصوف المدرسة الشاذلية، القاهرة: دار المعارف.
محمود، عبد الحلیم (٢٠٠٤). الإخوان المسلمون أحداث صنعت التاريخ، الاسكندرية: دار
الدعوة.

مرشدی الإخوان المسلمين (بی‌تا). «رسائل المرشدين»، ویکیبیدیا الإخوان المسلمون،
<https://b2n.ir/144299>

مشیخة عموم الطرق الصوفية (١٣٧٨). التصوف الاسلامی، رسالته و مبادئه، ماضیه و حاضره،
القاهرة: مطابع دار الكتاب العربي.

نجار، عامر (١٩٩٠). الطرق الصوفية فی مصر: نشأتها و نظمها و روادها، القاهرة: دار المعارف.

تأثير زيست دينى حسن البنا بر هويت عرفانى اخوان المسلمين / ١٠٥

نصيرى، محمد؛ كلانترى، ابراهيم؛ رضايى، رمضان؛ آل يمين، حامد (١٣٩٥). «مناسبات تصوف و الازهر با وهابيت در مصر: مطالعه موردى رويکرد عبدالحليم محمود»، در: *اديان و عرفان*، س ٤٩، ش ٢، ص ٢٥٩-٢٧٧.

نوح، عثمان بن السلام (١٩٩٨). *الطريق الى الجماعة الام، بى جا: دار الإيمان للطباعة والنشر*.
يونگ، فريد دى (١٩٩٥). *تاريخ الطرق الصوفية فى مصر فى القرن التاسع عشر، ترجمة: الجمال عبد الحميد فهمى، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب*.

Hoffman, Valerie J. (1995). *Sufism, Mystics, and Saints in Modern Egypt*, Columbia S. C: The University of South Carolina Press.

References

- Abd al-Aziz, Jum'a Amin. 2000. *Awraq min Tarikh al- Ikhwan al-Muslimin*. Cairo: Dar al-Tazi' wa-l- Nashr al-Islamiyya. <https://b2n.ir/504319>. [in Arabic]
- Abu al-Iz, Muhammad. 2009. "Al-Sufiyyah wa-l- Ikhwan Alaqa Na'ima ...Hal Satayqiz?" In *Ahl al-Quran*, <https://b2n.ir/854513>. [in Arabic]
- Al-Abd, Abdullatif Muhammad. 1998. *Al-Tasawwuf fi al-Islam wa-Aham al-I'tirizat al-Warida alaih*. Cairo: Dar al-Nasr. [in Arabic]
- Al-Amin, Muhammad. n.d. "Al-Ikhwan al-Muslimun min al-Nash'a ila al-Hal: Mutali'a fi al-Wasa'iq al-Asliyyah." <https://b2n.ir/980061>. [in Arabic]
- Alawi al-Maliki al-Hssani, al-Sayyid Muhammad. 2010. *Hawl-al- Ihtifal Bidhkiri Mawlid al-Nabawi al-Sharif*. Saida-Beirut: al-Maktaba al-Asriyya. [in Arabic]
- Al-Banna, al-Hassan. 1933. "Sufism and Morality (al-Tasawwuf wa-l- Akhlaq)." In *Jarida al-Ikhwan al-Muslimin*, no.2: 11-13. [in Arabic]
- Al-Banna, Hassan. 1961. *Mudhakhirat al-Da'wa wa-l- Da'iyyah*. Cairo: Dar al-Kutub al-Arabiyya. <https://b2n.ir/724454>. [in Arabic]
- Al-Banna, Hassan. 1985. *Al-Mathurat*. Beirut: Dar ibn Hazm. <https://b2n.ir/720332>. [in Arabic]
- Al-Banna, Hassan. 2008. *Rasa'il al-Imam al-Shahid Hassan al-Banna*. Cairo: Dar al-Da'wa. <https://b2n.ir/939715>. [in Arabic]
- Al-Bashir, Marwa. 2011. "Al-Hisafiyya Shadhiliyya." In *al-Ahram al-Yawmi*. <https://b2n.ir/355772>. [in Arabic]
- Al-Burhaniyyah. n.d. *Mawalid Ahl al-Bayt*. <https://b2n.ir/533383>. [in Arabic]
- Al-i-Yamin, Hamid. 2015. "An Analysis of The Relationship between Sufism and The Egyptian Muslim Brotherhood (Tahlil-i Rabiti-yi Tasawwuf va Ikhwan al-Muslimin-i Misr)." PhD diss., University of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Al-Sandubi, Hassan. 1948. *Tarikh al-Ihtifal bi-l-Mawlid al-Nabawi min Asr al-Islam al-Awwal ila Asr Faruq al-Awwal*, Cairo: Matba'a al-Istiqama. [in Arabic]
- Al-Sayyad, Muhammad. n.d. "Al-Bu'd al-Sufi ladi al-Ikhwan al-Muslimin." <https://b2n.ir/352397>. [in Arabic]
- Al-Sisi, Abbas. 2000. *Fi Qafila al-Ikhwan al-Muslimin*. Cairo: Dar al-Tawzi' wa-l- Nashr al-Islamiyya. [in Arabic]
- Al-Talmasani, Umar. 2012. *Dhikriyyat la Mudhakhirat*. Cairo: Dar al-Tawzi' wa-l- Nashr al-Islamiyya. [in Arabic]

- Al-Talmasani, Umar. 2012. *Dhikriyyat la Mudhakirat*. Cairo: Dar al-Tawzi' wa-l-Nashr al-Islamiyya. <https://b2n.ir/998850>. [in Arabic]
- Amana al-Fatwa. 2007. "Al-Ihtifal bil-Mawlid al-Nabawi wa-Mawlid al-Bayt wa-l-Salihin." Dar al-Ifta' al-Misriyyah. <https://b2n.ir/158652>. [in Arabic]
- Ashmawi, Salih. 1952. *Jarida al-Da'wa*, December 12, 1953. [in Arabic]
- Buyumi, Zakariyya Sulaiman. 1991. *The Muslim Brotherhood and Islamic Groups in Egyptian Political Life 1928-1928 (al-Ikhwan al-Muslimun wa-l-Jama'at al-Islamiyya fi al-Hayat al-Siyasiyyah al-Misriyya 1928-148)*. Cairo: Maktaba Wahaba li-Taba'a wa-l-Nashr. [in Arabic]
- Dasuqi, Abduh Mustafa. n.d. "Al-Ikhwan al-Muslimun wa-l-Sufiyyah." <https://b2n.ir/511404>. [in Arabic]
- Hassan, Ammar Ali. 2009. *Al-Tansha'a al-Siyasiyya li al-Turuq al-Sufiyyah fi Misr: Thaqafa al-Dimuqratiyya wa-Misar al-Tahdith ladai Tiyyar Dini Taqlidi*. Alexandria: Dar al-Ayn li-l-Nashr. [in Arabic]
- Hawi, Sa'id. 1999. *Tarbiyatuna al-Ruhiyya*. Cairo: Dar al-Salam li-l-Taba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi' wa-l-Tarjima. [in Arabic]
- Hoffman, Valerie J. 1995. *Sufism, Mystics, and Saints in Modern Egypt*. Columbia S. C: The University of South Carolina Press.
- Ibrahim, Muhammad Zaki al-Din. 1955. "Al-Ma'rika bayn al-Ikhwan wa-l-Sufiyyah Tasawwuf al-Ustadh al-Banna wa-Usratihi wa-Ansarihi al-Qudami Haqiqa al-Tasawwuf wa-Atharu hu fi al-Harakat al-Islamiyyah Asbab Hamla al-Ikhwan ala al-Tasawwuf." In *Al-Muslim*, <https://b2n.ir/376818> [in Arabic]
- Jadullah, Minal Abdulmun'im. 1998. *Sufism in Egypt and Morocco (al-Tasawwuf fi al-Misr wa-l-Maghrib)*. Alexandria: Mansha' al-Ma'arif bi al-Iskandariyya Jalal Hazi Shurakah. [in Arabic]
- Jong, Fredrick de. 1995. *Tarikh al-Turuq al-Sufiyyah fi Misr fi-l-Qarn al-Tasi' Ashar*. Translated by al-Jamal Abd al-Hamid Fahmi. Cairo: al-Hay'a al-Misriyya al-amma li-l-Kitab. [in Arabic]
- Mahmud, Abd al-Halim. 1999. *Qaziyyah al-Tasawwuf al-Madrisa al-Shadhiliyya*. Cairo: Dar al-Ma'arif. [in Arabic]
- Mahmud, Abd Alhalim. 2004. *Al-Ikhwan al-Muslimun Ahdath San'a al-Tarikh*. Alexandria: Dar al-Da'wa. [in Arabic]
- Majmu'a min al-Ulama. 1998. *Rasa'il fi Hukm al-Ihtifal bi-l-Mawlid al-Nabawi*. al-Riyadh: Dar al-Asima li-l-Nashr wa-l-Tawzi'. [in Arabic]

- Mashikha Umum al-Turuq al-Sufiyya. 1959. *Al-Tasawwuf al-Islamiyya, Risalatuhu wa-Mabadi'uhu, Maziyyuhu wa-Haziruhu*. Cairo: Matabi' Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]
- Najjar, Amir. 1990. *Alturuq al-Sufiyya fi Misr: Nash'atuha wa-Nazmuha wa-Riwaduha*. Cairo: Dar al-Ma'arif. [in Arabic]
- Nasiri, Muhammad, Kalantari Ibrahim, Riza'i Ramizan, and Al-i-Yamin Hamid. 2016. "The Relationships of Sufism and al-Azhar with Wahhabism in Egypt: A Case Study of The Approach of Abdulhalim Mahmud (Munasibat-i Tsawwuf va al-Azhar ba Vahhabiyat dar Misr: Mutali-i-yi Mawridi-yi Ruykard-i Abdulhalim Mahmud)." In *Adyan va Irfan (Religions and Mysticism)*, no.2: 259-277. [in Farsi]
- Nuh, Uthman ibn al-Salam. 1998. *Al-Tariq ila al-Jama'a al-Um*. n.p. Dar al-Iman li-l-Taba'a wa-l-Nashr. [in Arabic]
- Rizq, Jabir. 1996. *Imam Martyr Hassan al-Banna As Described by His Students and Contemporaries (al-Imam al-Shahid Hassan al-Banna bi-Aqlam Talamidhatihi wa-Mu'asirih)*. Cairo: Dar al-Wafa li-l-Taba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi'. [in Arabic]
- Tamam, Hisam. 2008. "al-Ikhwan wa-l-Sufiyya Maz Ghayr Musta'ad." *Al-Islamiyyun: Bawabih al-Turuq al-Sufiyya wa-l-Harakat al-Islamiyya*. <https://b2n.ir/995036>. [in Arabic]
- Uwais, Sayyid. 2001. *Qara'at fi Mawsu'a al-Mujtama' al-Misriyya*. Cairo: al-Hai'a al-Misriyyah al-Amma li-l-Kitab. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. "Abd al-Rahman al-Banna (al-Sa'ati) wa-Tajriba al-Misrah al-Islami." <https://b2n.ir/595919>. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. "Al-Ikhwan wa-l-Tasawwuf: Shubha al-Tasawwuf." <https://b2n.ir/511404>. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. "Al-Mawqif min al-Bad'i wa-l-Bay'a." *al-Ikhwan al-Muslimun*. <https://b2n.ir/780506>. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. "Rasail al-Murshidin." <https://b2n.ir/144299>. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. "Tarikh al-Ikhwan fi Muhafaza al-Qahara." <https://b2n.ir/932697>. [in Arabic]
- Wikipedia. n.d. *Al-Ikhwan al-Muslimun*. <https://b2n.ir/287460>. [in Arabic]
- Zaki Mubarak, Muhammad. 2006. *Al-Tasawwuf al-Islami fi al-Adab wa-l-Akhlaq*. Saida-Beirut: al-Maktaba al-Asriyya. [in Arabic]